



شاه بر ضد خلقهای عرب

محمد رضاشاه که قرارد باطل ۱۹۲۳ را بارها تازار ادبی "معتبر" خوانده و قرارداد راهزنانه یا کسر سوم نفت را بجز اساس آن منقح ساخته است بگریه فریاد بر کشید که قرارداد ۱۹۲۷ مربوط به شط لبحر (لردن رود) را "امپریالیسم انگلستان" بایران تحمیل کرده است و از اینجهت او حق دارد که آنرا "نامعتبر" بشناسد .

اینکه در کلیه اقدامات مهم سیاسی محمد رضاشاه و پدرش باید الهام منافع امپریالیستهای استعمارگر مورد تشریح نیست .

گفتار محمد رضاشاه نیز بناچار اعتراضی تلویحی به گوشه‌ای از همین حقیقت است . ولی اعتراض وی چه انگیزه‌ای دارد ؟ جلالت وی در طمعه زدن بر امپریالیسم انگلستان از کجا ناشی میشود ؟ چه شد که وی پس از بیست و هشت سال سلطنت تازه به کشف چنین تحمیل امپریالیستی خواب نما شده است ؟ چه شد که چنین ناگهان وی سخاها بر طویل جنگ میکشد ؟ آیا همه این میدان داری ها نیز با الهام امپریالیستها صورت میگردد ؟ مسلماً جواب این سؤال مثبت است .

سالهاست که رژیم کودتا در کشور عراق که سکن و ماوای عدای از ایرانیان آزاد بخواد نیز هست به گسترش فعالیتها و جفاکاریها مشغول است . یک روز عدای از عاصه داران کردستان را در برابر روحانیان شرق ایرانی علم میکند . روز دیگر آن کسان خود را برای ترور مبین پرستان جاز به بغداد و بصره کسب میدارد و روز دیگر با استفاده از تلاطمات سیاسی عراق بر ضد کشور هسایه ما وارد دسیمه میشود . - و در تمام این موارد منافع او با منافع امپریالیسم در هم آمیزد .

دولت عراق با وجود ماهیت غیر دموکراتیک خود تحت فشار افکار عمومی خلقهای عرب در نهضت مقاومت ضد اسرائیل سهیم است و همین امر برای اینکه امپریالیستها و ایادی آنها نظیر محمد رضاشاه را بر ضد وی برانگیزد کافی است .

روزی که دولت عراق شبکه جاسوسان اسرائیلی - اسرائیلی را که مرکز آن در آبادان بود کشف کرد و تلاشی گردانید محمد رضاشاه و خد اوندگان را و همدستانان دندن ببری جرگه داشتند تا فریاد در دناکشان بلند نشود - زیرا که این ضربه بزرگی بود که بر خرابکاری امپریالیستها در ممالک عرب وارد آمد . از طمعه امپریالیستهای آمریکا بر ضد خلقهای عرب پرده انداختن نشان داد که دولت مخلوق کودتا بشا به یکی از مراکز ارتجاع خاورمیانه تلقی نموده و خائنانه بر ضد خلقهای عرب بر علیه دارد .

معلوم شد که حکومت محمد رضاشاه نه فقط در عرصه سیاسی و اقتصادی (مانند فروش نفت) با اسرائیل یاری میرساند بلکه از طریق شبکه‌های جاسوسی سود اسرائیل از دستخلفهای عربخبرگری میکند . اینکه در موقتی که دولت عراق واحد هائی از ارتش خود را بمظهور مقابل با تجاوز امپریالیستی اسرائیل بکشور اردن و سؤذ اعزام داشته دولت ایران با الهام امپریالیستها ببحریگان نظامی بر سر اختلافات مرزی دست زده تا توجه دولت عراق را از جبهه ضد اسرائیل به مرزهای شرقی جلب کند و قسمتی از قوای وی را در این سمت مشغول بدارد .

محمد رضاشاه در اجرای این نقشه خد ارانه آنچنان بی پروائی نشان داد که محل تردیدی در شناخت مقاصد وی باقی نماند کشتی های جنگی ایران از خربشهر تا خلیج فارس در عرض هفت ساعت کشتی این سینا را بدره کردند .

دولت شوروی و فروش اسلحه

میروند اما و امتضای ندارد .

برای توضیح مطلب نخست باید مابین سؤال پاسخ گفت : آیا يك دولت سوسیالیستی میتواند و باید بفروش اسلحه دست زند یا برایگان در اختیار نیروهای بگد اید و در صورتیکه پاسخ این سؤال مثبت است بچه نیروهای و برای چه منظوری ؟

دولت سوسیالیستی بنا بر ماهیت خود بمتناهی پایگاه انقلاب جهانی (بنا بوطیفه‌ای که در برانداختن امپریالیسم و سرمایه داری و گسترش سوسیالیسم دارد میتواند و باید به کلیه نیروها انقلابی که با امپریالیسم و دشمنان خلق میجنگند به کلیه دولت هائی که علیه امپریالیسم در نبردند و ممکن است مورد حمله و هجوم نیروهای سیا و ضد انقلابی قرار گیرند اسلحه برسانند یا بفروشند . سلاخی که از اینراه بدست نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی می افتد بدون شک علیه دشمنان خلق بکار خواهد رفت و بوسیله تقویت این نیروها مستحکم صلح و گسترش سوسیالیسم خواهد شد . فروش اسلحه از طرفی دولتها و انحراهای امپریالیستی بر خلاف مابین منظور صورت میگیرد که از لحاظ اقتصادی سود های سرشاری نماید آنها گردد و از لحاظ سیاسی مواضع امپریالیسم نیروهای ارتجاعی را در جهان حفظ و تقویت کند . بقیه در ص ۳

وقتی مبین پرستان ایران دولت شوروی را بمناسبت فروشی اسلحه بشاه و دولت ایران مورد سزایش قرار میدهند روزی بوقت های ایران این سخن بروج و بمعنی را بپیش میکشند که اگر دولت شوروی با ایران اسلحه تمیز و تفاوت ولت دیگری فروش اسلحه رایبه عهده میگیرد و دولت ایران از دولت دیگری اسلحه دریافت می کرد . آنها برای آنکه خطائی را صواب جلوه دهند مرکز خطائی سنگینتری میشوند زیرا هرگاه ما برای این "استدلال" بگداریم ، چه سبها کربار چه گناهان نابخشدونی را که نمیتوان تیرش کرد . این اکتشاف سند تیره خائنین و جفاکاران نظیر زاهدی امینی و محمد رضاشاه آرزوی بختیار . . . است .

سخن بر سر این نیست که در جهان امپریالیسم سوداگرانی پیدا نخواهند شد که کالای مرگبار خود را به دولت محمد رضاشاه بفروشند بولکس همچنین سوداگرانی فراوانند . این نکته را همه کس میدانند و نیازی بیادآوری روزی نیست اما نیست . سخن بر سر اینست که دولت که مدعی سوسیالیسم است میتواند و باید با سوداگران مرکز در فروش اسلحه در یک ردیف قرار گیرد یا با آنها رقابت کند . مبین پرستان ایران وقتی مسئله فروش اسلحه را از جانب ولت شوروی با ایران طرح میکنند برای نشان دادن این واقعیت است که دولت شوروی با آنکه هنوز نقاب سوسیالیسم بر چهره میزند و هنوز مدافعین این شبه انواع حیل میکشند شوروی را بشا به دولت سوسیالیستی چاپزند و دیگر از سوسیالیسم جزایمی ندارند و در واقع از قش همان سوداگران اسلحه است از نوع دولت هائی امپریالیستی غریب است که برای تصاحب دسترخی خلقهای دیگر و بدست آوردن مناطق نفوذ از فروش اسلحه حتی به دولت هائی ارتجاعی وفادار استی که آنرا برای سرکوب جنبشهای انقلابی بکار

شعله جاوید

"شعله جاوید" نام هفته نامه مارکسیستی - لنینیستی خلق هئا افغانستان است . امروز "شعله جاوید" در ظل استبداد سبها کربار افغانستان در زنجیر است ولی پرتوی که وی بر سراسر افغانستان افشاند همچنان در گسترش است . پیرامون ۲۱ فوروردین ۱۳۳۱ (تقریباً یکسال و نیم پیش از کودتای ۲۸ مرداد در ایران) که ارتجاع افغانستان به یورش بر نیروهای دموکراتیک دست زد و عدای از بهترین فرزندان افغانستان را به بند در آورد و روزنامه "ندای خلق" را توقیف کرد "اختناق سیاسی دامنه داری بر تمام جوانب زندگی ملت افغانستان استیلای یافت . شانه زده سال بعد در ۱۴ فوروردین ۱۳۴۷ "شعله جاوید" درفش مبارزه را برافراشت و در سرلوچه نخستین شماره خود چنین نوشت : " ما کاملاً میتوانیم از تمام بوانج و درتو بگد رویم نیروی ما شکست ناپذیر خواهد بود بشرط آنکه شایسته باشنم ایدئولوژی شرقی و پیشرو را فرا گیریم بشرط آنکه به نود ها ایمان داشته باشم، با نود هما یکی شویم و آنها را به پیشت هدایت نمائیم . " شعله جاوید" به منشی خود وفادار ماند و سبک بر شهور مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسده دون بود ، از چهره متناقض روزی بونیستها که مانند روزی بونیستهای کشور ما با تأیید تلویحی ارتجاع افغانستان و خلق رایبه سراب وعده هائی از قبیل "تسده غیر سرمایه داری" " دولت دموکراتیک ملی برهبری طبقات عمیر پرولتاری" " بخش دولتی اقتصاد " " دموکراسی ناب" و غیره در نواستعماری فربیب میدهند پرده بر کوفت و ضرورت رهبری طبقه کارگر را در انقلاب افغانستان مستدل ساخت ، به زحمتکشان افغانستان آموزش داد که انقلاب " بدون تصادم و اعمال جبرتست به مضموزبان سخت ریته و آستان بوسان نشان صورت گرفته نمیتواند " مبارزات روزانه کارگران و دهقانان افغانستان را از نظر روزگاری پیوسته مدافع تطاهرات و مطالبات آنها بود . از اینجهت شعله جاوید " بزودی مورد توجه زحمتکشان افغانستان واقع شد . نامهائی از کارگران که در این هفته نامه بچاپ رسیدت نشانهای از پیوند "شعله جاوید" با نود هاست . بدیچی است که برای "شعله جاوید" که ماهیت مبارزات طبعاً و دیکناتوری طبقات استعمارگر و استعمارستند افغانستان رایبه خوبی می شناخت حمله کین تروزانه ارتجاع امری تصادفی و بی سر و از انتظار نبود . "شعله جاوید" در آخرین شماره خود (۲۳ خرداد ۱۳۴۷) دناشن ارتجاع و سازشکاری روزی بونیستهای

افغانستان را رسوا ساخته در پایان سر مقاله چنین نوشت : فقط آنانی که بتو دهها پشت کرده باشند از تصور حمله ارتجاع به تب لوزه مرگ دچار میشوند . ولی کسانی که به نود هها انگه دارند و از پشتیبانی نود هها نیرو میگورند از وحشیانه ترین حمله های ارتجاع نیز هراسی ندارند چون میدانند که خلق در هر حال پیروز شدن است ."

پس از این شماره "شعله جاوید" توقیف و دستگیری مبارزان آزاده افغانستان آغاز شد . بسیاری از دستگیرشدگان به حبسها گران محکوم گردیدند و بخاطر شعلای که از عشق با خلق در سینه دارند هنوز هم در زندان نشسته اند .

اما شعلای که از حقایق مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسده تسده ون برخاسته و بدست خلق سپرده شده است خاموش شدن نیست . مارکسیست - لنینیستهای افغانستان با تجربه اندوزی از گذشته برای مبارزات آینده آماده میشوند . آنها با این سخن رفیق مائوتسده دون که در سرلوچه "شعله جاوید" (۶ خرداد ۱۳۴۷) درخشید ایمان کامل دارند که " مبارزه شکست ، باز هم مبارزه ، باز هم شکست ، باز هم مبارزه . . . و سرانجام پیروزی - اینست منطق خلق در برخورد با مرتجعین " . این شک

مارکسیست - لنینیستهای افغانستان بخدی دریافته اند که همی روزنامه فکری برای رژیم مستبد انهای نظیر رژیم افغانستان قابل تحمل نیست . در چنین شرایطی همینکه روزنامه های پتانس در نود هها آغازید باید در انتظار ماطور " توقیف " باشد . در چنین شرایطی فقط روزنامه سفی میتواند بصورت زبان آزاد ری بند و با خلق انتشار یابد . امروز مارکسیست - لنینیستهای افغانستان با این حکم بی چون و چرای مارکسیسم - لنینیسم میرسنده که بدین حزب طبقه کارگر که ستاد رهبری کلیه زحمتکشان است پیروزی بر امپریالیسم و ارتجاع امکان پذیر نیست . مهم ترین وظیفه امپریالیسم و ارتجاع است . اینستجای که در ایران و چه در افغانستان بر سر داشتن حزب طبقه کارگر است . ما یقین داریم که رفقای مارکسیست - لنینیست مائوتسده با مجاهدات دلیرانه خود در ایفاء این وظیفه بر افتخار و پیروزی مبارزه خلق برادر ما در راه انقلاب دموکراتیک نوین پیروزی خواهند رسید .

استوار باد پیوند انترناسیونالیستی خلق های افغانستان و ایران در نبرد بر ضد استبداد ظاهرشاهی و محمد رضاشاه و مخدومان امپریالیست آنها . درود به مبارزان دلیری که در راه رهائی خلق افغانستان گرفتار بند و زنجیر طاهرشاهی اند .

گسترش ویپیروزی انقلاب و ابیستمه بوجود حزب انقلابی پرولتاری است

در مسئله وحدت با بورژوازی ملی

تخصیص مطالبی که یکی از رفقای سازمانی فرستاده است

اگر چه همه نیروهای دمکراتیک برآنند که شرکت بورژوازی ملی در جنبه واحد وسیع لازمست ولی در چگونگی این شرکت گاهی کار به اپورتونیزم و تسلیم طلبی متفاوتی در بین بورژوازی ملی می کشد. بورژوازی ملی نیز با توسل به اتهام "اپورتونیزم چپ" و "سکارسیم" و غیره میکوشد تا کوچکترین حرکت نیروهای مارکسیستی - لنینیستی را در مورد آزادی انتقال در جنبه واحد و آمادگی زمینه برای تأمین سرکردگی پرولتاریا تخطئه کند.

برخی از اپورتونیستهای تسلیم طلبیان برآنند که گویا شرکت با عدم شرکت بورژوازی ملی در انقلاب آینده ایران منوط بشکست برخوردی است که نیروهای مارکسیستی - لنینیستی با بورژوازی ملی در پیش گیرند. بدین معنی که اگر مارکسیستها - لنینیست ها "مایل" و "معتدل" با بورژوازی ملی برخورد کنند و بطور کلی از طرح مسائلی که با مزاج او سازگار نیست خودداری ورزند، این امر باعث خواهد شد که بورژوازی ملی شیفته صفات پسندیده کمونیستها شود و بزیر پرچم آنها در آید و به پرتکنس اگر مارکسیستها - لنینیستها رفقای "خشک" داشته باشند و مطالبات خاصی بخواهد کارگزارانین سطح سازند بورژوازی ملی از کمونیستها ببرد و از انقلاب دور میشود.

این نحوه بررسی، مقدم بر من دیدنیات پرواتیمیات عینی جامعه است، بریسه های مادی موجود در جامعه را که سبب میشود بورژوازی ملی در انقلاب دمکراتیک ملی بهیچکدام از طبقات و جنبشهای جامعه ماستفاده از خواست این و آن سوق ندهد شود تمییزند. این نحوه بررسی لاجرم کار را با اپورتونیزم و تسلیم طلبی در بورژوازی ملی میکشاند.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توان که مسئله "آزادی انتقال" را یکی از اصول سه گانه جنبه واحد دانسته و آنرا در کنار استقلال احزاب شرکت کننده در جنبه واحد و در کنار مبارزه در راه بهبود شرایط زندگی توده های مردم قرار داده است بر این واقعیت مبنی است که بورژوازی ملی در شرائط کشورهای نیمه مستعمره و نیمه فئودال مانند ایران در اثر تضاد منافع که از یکسو با امپریالیستها و عمال داخلی شان و از سوی دیگر با پرولتاریا و نیروهای زحمتکش جامعه ما دارد دارای خصمند و گاه میباشند و ماهیت ارتجاعی باضرتی آن را در هر لحظه نوسان مابین این دو قطب بازگو میکند. و چنانچه اصل وحدت و مبارزه در برخورد با بورژوازی ملی در واقع بیان دیگری از جنبه آزادی انتقال در جنبه واحد است. آزادی انتقال بما امکان میدهد که بتوانیم وحدت و مبارزه را به بهترین شکلی در کار برخورد با بورژوازی ملی تطبیق ندهیم و بهترینشده اتحادی بورژوازی ملی را مورد انتقاد قرار دهیم و در عین حال جنبه های مثبت و شرفی بورژوازی ملی را که در جهت خط عینی حرکت جنبش است تائید و تقویت کنیم. این امر باعث میگردد که توده های ملیون مردم پادیده با تری پشتیبانان واقعی خود، بیکوتترین عناصر انقلابی و فدای کارترین و پیشقدم ترین مبارزان ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی رابشناسند و بدین ترتیب آنها حلقه زنده و رفیق مائوسه دون دور در آن جنگ ضد وابستی میگویند. . . . ما بعضی مشاهده این گرایشهای ارتجاعی (از افراط قشرهای فئوای خرد بورژوازی و بورژوازی متوسط عناصر دست راست این قشرها) در میان توده های پاییدا

عربان ساختن ماهیت واقعی آنان در برابر توده ها نفوذ سیاسی آنها را در میان مردم خشنی کرده و توده ها را از بین آن نجات ندیم. . . در مورد متحدین گوناگون ما در جنبه واحد برخورد مسا باید برخورد وحدت و اتحاد باشد. وحدت و اتحاد هر دو باید متوجه باشند ما مبارزه متحدین خود را برای مقاومت در برابر امپریالیسم تائید میکنیم و دستاورد های شان را میستائیم. اما اگر آنها در جنگ مقاومت فعال نباشند باید آنانرا مورد انتقاد قرار دهیم. ما باید هرگز را که علیه حزب کمونیست و خلق مبارزه برخیزیم و در راه ارتجاع هر ریز گامهایی تازه تری برداریم محکم بگویم.

آزادی انتقال باعث میشود که بورژوازی ملی از بیم انفراد و انزوا در بین توده ها بتصحیح موارد ارتجاعی و ناصحیح سیاست خود اقدام نماید و در غیر اینصورت اتحاد مردم را از دست میدهد و زمینه را برای سرکردگی پرولتاریا بیش از پیش آماده گرداند. آزادی انتقال باعث میشود که بورژوازی ملی به قیوت پاره ای از محدودیت های برای خویش بیبورد شرائط زندگی مردم که یکی از شرائط جنبه واحد است تن در دهد. آزادی انتقال مسلما موجب بدست آوردن وحدت عالیتر است که برای ما مبارزه فراوان دارد. ولی هرگاه مصیبتی با بورژوازی ملی در جنبه واحد از طریق گذشتنهای غیر اصولی وضت کردن منافع توده ها چستجو شود بدین ترتیب نتیجه ای جز تخریب توده نخواهد آمد و توده های مردم نیز در اثر چنین سیاست ناصحیحی از گرد گمب - تمسهای رانگده خواهند شد.

کسانی که دچار اپورتونیزم اند گویا استخوانبندی جیبسه واحد را اتحاد طبقه کارگر و بورژوازی ملی میدانند که سایر نیروها و از آنجمله دهقانان باید بدور آنها مجتمع شوند. نظریه آنها ناشی از عدم درک قانونیستی انقلابات کشورهای

نیمه مستعمره و نیمه فئودالی است و نمیدانند که اتحاد با بورژوازی ملی که از واقعیت جامعه ما سرچشمه میگردد در عین وحدت جیبسه واحد است و ایجاد چنین وحدتی در طبقه مبارزه بدست میاید نه در طبقه "ممالک سیاسی" و گذشته های غیر اصولی نیست بورژوازی ملی.

در کتاب "سرهانی از تاریخ حزب کمونیست چین" گفته میشود "اگر ما با در بر راه اتحاد کارگران و دهقانان صحبت نمیکنیم با این علت است که همه میدانند که این اتحاد اساس جیبسه واحد است. اگر کارگر نتواند اتحاد محکی با دهقانان برقرار کند جیبسه واحد بوجود نیاید و انقلاب نمیتواند پیروز شود. . . . تجربه نشان میدهد که اگر ما دهقانان را جلب نکرده بودیم نمیتوانستیم بورژوازی ملی را جلب کنیم". عبارت مذکور بعد کافی روشن و بی نیاز از تفسیر است. رفیق لین بیاد و در این زمینه میافزاید: "اینکه آیا طبقه کارگر را نتوانید دمکراتیک ملی بچواند و رهبری را بدست گیرد بیانه مسئله مهمی است که بستگی با این دارد که آیا طبقه کارگر میتواند دهقانان را به مبارزه بکشاند و توده های دهقانی را بگرد خود جمع کند. طبقه کارگر تنها در صورتیکه قادر به رهبری دهقانان باشد میتواند بر اساس اتحاد کارگران و دهقانان دو مین وحدت و جیبسه واحد وسیع را تشکیل دهد. . . در غیر اینصورت هر آنچه گفته شود بجز وهم و خیال و باصحت بوج و بیمعنی چیزی دیگر نیست".

محمد رضا شاه و در زمینه مقاصد امپریالیسم آمریکا و رویوتونیزم شوروی در تقسیم جهان صورت میگرفت.

بر اساس این واقعیات است که همبستگی و همسنکری خلق ایران و خلق های عرب اهمیت تازمانی کسب میکند. خلاص ما طرفدارانیم که مسئله ضد العرب (اروند رود) بدون مدد امپریالیستی و با مذاکره و بر اساس حفظ حقوقی طرفین حل شود ما هر گونه تحریک محمد رضا شاه را که هدفش تضعیف ما و - خلق های عرب در برابر اسرائیل تجاوزکار است محکوم میباشیم. ما یقین داریم که جنگ انقلابی توده های خلق عرب بر ضد امپریالیسم ژ اسرائیل تجاوزکار روز بروز بیشتر دامنه خواهد یافت و به پیروزی قلمی خواهد انجامید.

ما یقین داریم که مبارزه خلق ایران بر ضد امپریالیسم و رژیم محمد رضا شاه در بریا زود از جنگ انقلابی توده های خواهد سوخت، گذشت و این گانون ارتجاع ایران و حاورمیانه را خواهد سوخت.

شاه برضه خلقهای عرب بقیه از ص ۱ هواپیمای جنگی در تمام مدت حرکت در ارتفاع کم بر بالای کشورش در طویل میز ایران و عراق به پرواز در آورند، از این سوم ایران حالت آماده باش گرفت و زورپوشهای لشکر هشتم در کد رنگهای مرزی موضح گروندند. هواپیماهای شکری بعنوان پاسداری از پالایینگاه آپادان به مانور برداختند. . . تا نشیوی و اضطرابی در عراق بوجود آورد و دولت عراق را بدام تحریکات خود بیندازند. اما زمانه ابران عراق مانند سایر اطاران سیاسی باسانی به که نوظه یی بردند و صریحا گفتند: ما بمقابله بر نخواهیم خاست. ما واحد های خود را از اردن و سوریه فرا نخواهیم خوانند و جیبسه مقابل اسرائیل را خالی نخواهیم کرد. . . ما این طریق تا امروز تحریکات محمد رضا شاه در مرز عراق به نتیجه طلب امپریالیست همسا نتایجی برده است.

ما در عین حال که محتفیم از حقوق ایران باید با کمال شدت دفاع شود مسئله شط العرب را مسئلهای حل نشدنی نمیدانیم و نیز بر آنیم که حل کلیه این گونه مسائل باید تابع مبارزات ضد امپریالیستی خلق های ایران و عرب و سایر خلق های جهان باشد و به پیشرفت این مبارزات یاری رسانند.

این سیاست در برینه امپریالیستهاست که "تفرقه می اندازند و حکومت میکنند" فتنه می انگیزند و از آن بهره میگیرند. بزرگ کردن اختلافات مرزی ایران و عراق نیز سیاست آنهاست. امروز هر عملی که مبارزه خلق های عرب را بر ضد تجاوز امپریالیستی اسرائیل تضعیف کند عملی است بسود امپریالیسم و ارتجاع بزبان خلق ها عرب و نیز بزبان همه خلق های جهان و از آنجمله ایران. تحریکات ایران در مرز عراق نشان میدهد که ایران بصورت مرکز ارتجاعی خطرناکی در خاورمیانه در آمده است. ارتش ایران که نخستین وظیفه اش سرکوب جنبش نجات بخش ملی ایران است اکنون میخواهد از چار دیواری ایران قدم بچرین گذارد و بعورت رانندگی در کشورهای همسایه عمل کند. سلاح های مدرن که امپریالیستها و رویوتونیستهای شوروی در اختیار شاه گذاشتند روی را در ایفای این نقش شروع دل میدهد. تبلیغاتی که امپریالیستها و رویوتونیستهای شوروی بمنظور آرایش و بیابانش رز وی انجام میدهند شوقی است. سال گذشته دوبردار در خرد راه ما و بسیم ما) ناوگان جنگی شوروی بعنوان "در در دستانه" در بنادر جنوب ایران لنگر انداختند و در ۴ مهبر ماه روزنامه ایروستی نوشت که "سیاست خارجی ایران و نقش همزیستی مسالمت آمیز آن در رفیقان و اختلاف اعراب و اسرائیل در کشور همه گونه تمجید است". و اساس آن را "رهبری خرد شده انبسه شاهنشاه" تشکیل میدهد. اینها همه بمنظور تقویت حکومت

دو ژاندارم در اندونزی

پوزنامه لوسوند (در ۱۰ ژوئیه ۱۹۶۸) نوشته بود که چگونه در او دسته سوهارتو، این دو سخیمان ملت اندونزی، از خلق و از فعالیت روز افزون پارتیزانها بویژه در جاوه پهراس افکار ماند. مینتاریستهای اندونزی برنامه خاصی برای "آرام کردن" منطقه جاوه تنظیم کرده اند.

"در پیش سران برنامه (آرام کردن) میسیرن نظامی آمریکا در اندونزی قرار گرفته است که بویژه در جاوه و محرماته عمل میکند ولی اعضای آن لباس نظامی دربردارند. میسیرن منور اخیرا تقویت شده است. میسیرن نظامی شوروی که تحت ریاست یک نفر در جاوه بان میانش از میسیرن نظامی آمریکا هم محرمانه تر عمل میکند و اعضای آن لباس نظامی در برده اند و با هر گانه ای شبه اند که بر او گذرانند تعطیلات باند ونزی آمده اند."

نکته ای چند از ناصحه

رفیقی در نامه ای که بمناسبت عضویت خود در سازمان مارکسیستی لنینیستی توان نکاشته از جمله چنین نوشته است: "نیروهای انقلابی در مقابل سیاست تجاوز و عارتگری باید مصصانه به مبارزه مسلحانه بپردازند. . . هیچ راهی جز راه انقلاب قهرآمیز برای نجات خلقهای زنجیر وجود ندارد. میخول کارل مارکس برر ما ما می حکومت پرولتاریاست. بقرول لنین دولت مسلح بورژوازی را باید خرد کرد، دانان نمرد و بدور انداخت بقرول مائوسه چون قدرت پرولتاریا از لوله تفنگ خارج میشود. من آمادگی خود را از گرفتن قلم تا گرفتن اسلحه بدست اعلام میکنم. . ."

پیروز باد جنگ توده ای خلق قهرمان ویتنام

خوانندگان گرانی!

برای ادامه حیات ماهنامه توفان - این یگانه زبان مارکسیست لنینیست های ایرانی - که تاکنون بهت اعضا و هواداران سازمان وعده ای از خوانندگان چرخیده ، لازم است همیشه خوانندگان همه هواداران همه اعضا سازمان توفان به پشتیبانی مالی وی بشتابند -

کک به توفان کک باشاه مارکسیسم - لنینیسم، کک بانتظرب ایرانست - از این جهت مصمانه بیاری توان بشتابیم -

تظان دو حطه بقیه از ص در حالی کهشهادت نوشتمهایم تصور و نوك صحیحی از روزیونیسیم و از مارکسیسم- لنینیسم ندارد -

اگر چه این دو گروه از دو سوی چپ و راست به سازمان توفان میزایند ولی همپهنگی و همزمانی آنها در هجوم به مارکسیسم - لنینیسم واندمشاموشانه وحدت ماهیت وحدت هدف آنهاست آنچه که در مرکز دیده روت و گروه واقع است اینست که از پیشو حزب طبقه کارگر ایران احیا نشود تا در دست ره روزیونیسیتی ایران خود را همچنان شباه حزب طبقه کارگر جا بزینند و از سوی دیگر مبارزهای علیه روزیونیسیم و اپوزونیسم راست صورت نگیرد و ماهیت سوسیال - امپریالیست زمامداران شوروی همچنان در بر پمانستند -

سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج با آنکه چپ و راست از مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه ماتو حرف میزند و گاهگاه از " ایجاد " حزب طراز نوین طبقه کارگر سخن به میان میآورد ، در عمل فعالیت خود را در راه همان مقاصد ی نگاری می آند از گه روزیونیسیتی شوروی و ایرانی خواستار آتند - این سازمان نشریاتی در ۶ صفحه در پیکار با سازمان توفان بیرون می دهد ولی در مبارزه با روزیونیسیم شوروی و ایرانی، در مبارزه با شاه و سیاست داخلی و خارجی آن پایش مانده که گشته حزب توده ایران را سیاه میکند ، در باره " اپوزونیسم تاربخ " حزب توده ایران داد سخن می دهد ولی از افشا روزیونیسیم و اپوزونیسم گونئی حزب طرفه میزند - روزیونیسیت های حزب توده ایران از اینکه خصلت پرولتری حزب در گذشته انکار شود باکی ندر آنند آتاییین می آندند که کسی این تهرات را نمی پذیرد ، هیچکس نمی پذیرد که جنبش کمونیستی جهانی بیست سال تمام در باره ماهیت حزب توده ایران در اشتباه بوده است و اکنون کسانی پیدا شده اند که یک شبه در صد ساله رفته و چنین کشف بزرگی نائل آسند - اندم عدم احیا " حزب طبقه کارگر " در مبارزه با روزیونیسیم اینست آنچه که روزیونیسیم می طلبد و آنچه که " سازمان انقلابی " میگوید بدان جا به عمل بیزند - " سازمان انقلابی " در آن راهی می رود که روزیونیسیتها بری نشان می دهند - مگر نه اینست که گسروه روزیونیسیت حزب توده ایران به ایجاد " سازمان انقلابی " دلکهای نقیضی رسانید که هنوز هم این سازمان از مزایای آن برخوردار است ؟

در همین قضیهای که از این پریش مشترک حاصل میاید صحت خط مشی سازمان ما ، درستی راهی است که برای احیا " حزب کارگر ایران و مبارزه انقلابی بر گرفته شده است - اگر ما در تمیز وظایف و در جابزه خود راهی بخطا رفته بودیم نه موفقیتی در انتظار ما می بود و نه دشمنان انقلاب شوروی برای مبارزه با سازمان ما احساس میکردند - تاخت و تاز اپوزونیستها از راست و از چپ بیگانه سازمان امنیت علیه سازمان توفان حاکی از آنست که ما در برابر آنها و در کنار طبقه کارگر خلقی ایران قرار گرفته ایم ؛ همین که را دیوی پیک ایران " مبارزه با سازمان مارا به صحنه ایران انتقال می دهد نشان آنست که فعالیت ما در اینجا نظایف انقلابی ترمیش است و سازمان توفان در نزد نیروهای انقلابی میهن ما جای خود را باز کرده و با موفقیت به پیش می رود - مبارزهای که علیه سازمان ما آغاز شده گذر نیست بییقین در آینده باشدت - راننه و مسائل پیشروی ادامه خواهد یافت - ولی هیچ نیروی قادر نیست از مبارزه انقلابی جلو گیرد - مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه ماتو حقیقت است و حقیقت پیروز است - هر کس که با آن مقابله بر خیزد سرانجام بسر در خواهد آمد -

دولت شوروی و فروش اسلحه بقیه از ص ۱ و کشورهای

تازه های را بزیر نفوذ امپریالیسم در آورد ، فروش اسلحه از جانب انحصارها و دولتهای امپریالیستی بمنظور سرکوب جنبش رهایی بخش خلق های آسیا بمنظور جلوگیری از انقلاب و کمترش لبستی است -

دولت سوسیالیستی از یکطرف و دولت یا انحصار امپریالیستی از طرف دیگر در هاهیت خود در تضادی آشقی نایز بریند هف آنها نیز در فروش اسلحه نمیتوانند در دو قطب متضاد قرار بگیرند اکنون این سؤال پیش میاید : آیا فروش اسلحه از جانب دولت شوروی در صحنه جهانی منطقی با هدفی است که یک دولت سوسیالیستی میتواند و باید تعقیب کند ؟ پاسخ ایسن سؤال منفی است ، به پاره ای حقایق توجه کنیم -

سالهاست که دولت شوروی با فروش اسلحه و حتی با ایجاد کارخانه های تجهیزات جنگی ، دولت ارتجاعی و توسعه طلب هند را در قبال جمهوری نو دهی چین تقویت میکند - روشن است که تقویت بنیه نظامی هند به کله و شکایت دولت پاکستان میانجامد که بر سر کمپور با هند در نزاع است - دولت شوروی برای رفع کله و شکایت و دلجوئی وی علی رقم نظاهی که بدوستی یا هند میکند به پاکستان اسلحه می فروشد - اما این بار دولت هندسند که اینکار را بر خلاف مصالح خویش بر خلاف مناسبات دوستی فیما بین شوروی و هند میسازد بترتبه خود در لافا که یا با صراحت عمل دولت شوروی را مورد انتقاد قرار میدهد و کار با فروش بخش جدیدی از اسلحه به هند فیصل می پذیرد -

فروش اسلحه از جانب دولت شوروی بدولت هند و پاکستان با که امیک از اصول سیاست خارجی کشور سوسیالیستی میخواندند آیا فروش اسلحه بدولت هند و پاکستان باخطر تقویت جنبش نجات بخش این دو کشور و لذا منطقی بر انترناسیونالیسم پرولتری است ؟ بنظر لنین ظهیر انترناسیونالیسم پرولتریائی واقعی مبارزه باخطر رشد جنبش انقلابی در کشور خود و در عین حال پشتیبانی مادی و معنوی از جنبش انقلابی تمام کشورهای دیگر است - فروش اسلحه از جانب دولت شوروی به هند و پاکستان در جهت عکس نظر لنین است - امروز هم کسی میداند که دولت های هند و پاکستان نهفت های ملی و دموکراتیک شورهای خود را به بند کشید هاند و تقویت آنها از لحاظ اقتصادی و سیاسی و نظامی در واقع بمتزلزل سرکوب و اختناق این نهفتها است - شاید گفته شود که این دو دولت با امپریالیسم در مبارزه با تقویت قدرت نظامی آنها در حکم تضعیف امپریالیسم است - چنین قضاتی نه در مورد هند قابل توجه است و از آنهدمتر نه در مورد پاکستان - شاید تصور رود که این دو دولت در مناسبات دوستی و حمن همجواری بسر میبرند و تقویت بنیه نظامی این دو کشور لاف زبانی بیار نمیآورد - اما مسئله کشمیر سالهاست مناسبات این دو کشور را در محرابی دشمنی و خصومت انداخته و این خصومت بیش از بیکار جنگ انجامیده است - در اینجا است که گلوله های ساخت شوروی بجای آنکه در سینه دشمنان سوسیالیسم نشینند تود ه های مردم را ب خاک هلاک می افکنند -

بالاخره شاید این شبهه پیش آید که اتحاد شوروی به هند یا به پاکستان اسلحه می فروشد برای آنکه آنها را در برابر دولت دیگری که خیال حمله و هجوم به اتحاد شوروی را در سر میورزند تقویت کند و یا بمبارت دیگر از تضاد دولتهای ارتجاعی بسود سوسیالیسم استفاده برد - چنین شبهه های نیز بگی منفی است - در خاور میانه وضع بهمین منوال است - کشور مصر باین منظور برای تحصیل اسلحه به اتحاد شوروی روی آورد که در برابر تجاوز امپریالیستها و نوکران آنها بپوزد و در برابر تجاوز اسرائیل این سر ملی امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی در خاور میانه از خود دفاع کند و تجاوز را سر جای خود ب نشانند - اما هدف دولت شوروی از تحویل اسلحه فرنگه های اقتصادی این بود که این کشور را در دایره نفوذ خویش در آورد و سیاست این کشور را در جهت مقاصد خویش برگردانند - بیپوده نبود که روزیونیسیت های شوروی به اتفاق امپریالیستهای امریکائی دولت مصر را در روز ۱۹۶۷ از توسل جنگ ب حذر داشتند و همین امرایش اسرائیل امکان داد که ظرف چند ساعت تمام نیروی هوائی مصر

را بر روی زمین نابود کند و با تفوق در آسمان در مدت شش روز سر زمینهای وسیعی از کشورهای عربی را تصرف در آورد - دولت شوروی همین شکست و ناکامی و مشکلات ناشی از آنسرا وسیله قرار داد تا نفوذ خود را باز هم بیشتر بگستراند و تحکیم کند - درباره سبل اسلحه و مهمات بسوی مصر سازمانیگر چه که این دولت باید به اقتصاد ورشکسته کنونی خود بهای آنسارا با مواد خام صنعتی و کشاورزی بپردازد - وابستگی نظامی و اقتصادی دولت مصر به اتحاد شوروی وضعی پیش آورده که زمامداران مصر در دست در اختیار روزیونیسیت های شوروی در آید مانده ، جمهوری متحده عرب راندهای از اتحاد شوروی است - این واقعیتی است که امروز همه کس در وضوح آنرا می بیند - این روش اتحاد شوروی در قبال جمهوری متحده عرب سر روشی با سیاست امپریالیستها در کشورهای استعمار زده و از انجمله ایران تفاق و ندارد -

نمونه ایران از اینهم روشنتر است لاف برای ما ایرانیان که فشار امپریالیسم و عمال ایرانی آن شاه و دولت نشاندهاش را سالهاست بر روی دوش خود احساس میکنیم - در اینکه شاه و دولت پوشالی وی با نیروهای انتظامی خود ایران را به کورستان تبدیل ساخته و هر کوزه صدای حق طلبانه مردم را در گلو خفه میکند مورد قبول همانک است ؟ در اینکه رژیم ایران با امپریالیست و ارتجاع جهانی بر سر لطف و مودت است و احتمال برخورد نظای آنها در میان نیست تردیدی نمیتوان داشت - در انصرورت انگیزه فروش اسلحه به چنین دولتی که از آن برای سرکوب و جنبش ملی و دموکراتیک استفاده میکند چیست ؟ آیا جز این است که مانند امپریالیسم به سوداگری اسلحه بپردازد ، در جنگ برای خود در نزد شاه و مقامات حاکمه ایران بکساید منطقه نفوذ خود را توسعه بخشد و رژیم زننده شاه را در قبال مبارز مردم ایران از لحاظ نظامی نیز تقویت کند ؟

اخیرا راهیوینه ایران متحرک نیروی نظامی ایران را در سرحدات عراقی مورد انتقاد قرار میدهند - این متحرک نیرو در لحظه های که خلق های عرب در برابر اسرائیل بمقاومت برخاسته صریح و آشکار بسود دولت تجارزگار اسرائیل و در جهت تضعیف نیروهای ضد امپریالیستی است - اما این بلند گوین سیاست ضد انقلابی شوروی این تیکه را عدا بدست فراموشی میسپارند که بخشی از تسلیحات و سلاح در مرز ایران و عراق متراکز کرده همان است که از طرف دولت " سوسیالیستی " شوروی بهبهای یکصدون میلیون دلار به دولت شاه فروخته شده است -

در پاسخ تمامی این مطالب روزیونیسیت های ایرانی بدون تکباز هم بشما میگویند که اگر شوروی اسلحه نمی فروخت سوداگران اسلحه می فروختند - راست است - زمان حال روزیونیسیت های شوروی نیز چنین است - بخالا که میگرد از راه فروش اسلحه سودی بدست آورده چرا سوداگران روزیونیسیت این سود را در دست امپریالیستها و اکلرند و از این سود کلاهی تبرند ؟ اگر امپریالیستها با فروش اسلحه در این کشورها نفوذ و سلطه خود را میکسرا و تحکیم میکند چرا باید در تحصیل این اضیارات از امپریالیستها عقب ماند ؟ ما هم درست همین را میگوئیم میگوئیم کسب روزیونیسیت های شوروی در جرگه سوداگران بین المللی مرکز اسلحه می فروشد تا از آن سود بنسپورند

مناطق نفوذ خود را توسعه دهند و در سرکوب جنبشهای رهایی بخش ملی سبمی داشته باشند - چنین سیاستی ، سیاست یک کشور سوسیالیستی نیست ، سیاست یک کشور امپریالیستی است - و بیپوده نیست که ما اهرار میوزیم که در ماهیت اتحاد شوروی در گزینده عمیتی پدید آمده و این کشور که روزی مهد سوسیالیسم بود ، اکنون بیک کشور امپریالیستی تبدیل شده است منتها با این تفاوت که فریب توده ها هنوز نقاب سوسیالیسم بر چهره دارد و باید آنرا از چهره برداشت -

عنوان جدید مکتبات :
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی :
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 12470 / 11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

تفان دو حمله

دشمنان سوسیالیسم و روزینیتها را از هر فاشی که باشند در مبارزه با احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی شیوه گوناگونی بکار میبندند: توطئه سکوت یکی از آنها است. هنگامی که حزبی مارکسیستی - لنینیستی یا بعرضه وجود میگردد روزینیتها در آغاز آنرا نادیده میگیرند و کار را به سگسوت بر گزار میکنند تا مبادا با صدای خود توده های مردم را از وجود آن مستحضر گردانند و خود وسیله ای برای معرفی و شناسایی آن گردند. اما پس از آنکه حزب مارکسیستی - لنینیستی جای خود را در میان توده ها باز کرده و نیروی میدانی گردید آنگاه بناچار سکوت را در هم می شکنند و آشکارا علیه آن مبارزه بر سر می خیزند و در این مبارزه از توسل بهیچ شیوه ناپسندیده و هیچ وسیله ناشایستی روگردان نیستند. سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان از این فایده مستثنی نماند.

موفقیت و نفوذ سازمان توفان گروه های ضد مارکسیستی و ضد انقلابی را بر آن داشت که به سکوت خود در قبال سازمان مسلمان هدایت. آنها چنین می پنداشتند که سازمان توفان حمله خود روشی است که پس از اندک زمانی خود بخود در اثر بیساز حوادث از بین میرود. "آبیا آنها که خواست خود را بجسای واقعیت میکشند اکنون بر می یابند که به پیروی واقعی دلبسته بودند." سازمان توفان حمله خود رو نیست پس ایس ار امه و رشد آن نتیجه ناگزیر واقعیت مبین ما و اوضاع و احوال جهان است، حاکی از یک ضرورت تاریخی است. سازمان توفان وجودی است که نفی اپورتونیسیم را اعم از چپ و راست در بر دارد تا قوی مرگ گروه های ضد مارکسیستی و ضد انقلابی را میبازد. آیا میشو جنگ آن نرفت؟

بهموده نیست که روزینیتها و حزب توده ایران کسانیکه اعتبار خود را همراه با روزینیتها شوروی بتمامی از دست داده اند و همزمان با گروه روشکتهای بنام "سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج" سازمانی که مدتهاست گرفتار ششگونی و تفرقه سازمانی است به سازمان توفان بپوش آورده اند. روزینیتها از یکصد صفحه مجله دنیا ۲۵ صفحه آن را ببارزه با سازمان توفان اختصاص داده اند و گروه دیگر جزوه های در ۶ صفحه انتشار داده و در سراسر آن با الفاظه عبارات و لغتی که نشان دهنده خبت طبیعت و حاکی از کینه حیوانی آن است به سازمان تسوفسان تا سزا گفته است.

فخستین چیزی که از این بپوش مشترک بخش میخورد هفتای و هم آغازی گروهی کاستریست با دارو دسته روزینیتها و حزب توده ایران است. جای تردید نیست که از هم اکنون سازمان انضیب این سنگ پاسیان امپریالیسم و طبقه حاکمه ایران در نهان در طرف آنهاست و بزودی آشکارا به صف آنها خواهد پیوست و جمع آن دورا تکمیل خواهد گسرد.

سازمان با سرشتی که دارد و با مبارزه بی امانی که علیه دشمنان خلق و مدافعین روزینیت آنها در پیش گرفته است نمیتوانست و نمیتواند کینه و دشمنی نیروهای ضد انقلاب را بر نیاندکیزد. روزینیتها و حزب توده ایران و حامیان شوروی آنها که با دست عمال خود سالها است مخفیانه در کار جمع و پخت عناصر مارکسیست - لنینیست و در کار احیای حزب طبقه کارگر ایران و در کار سازمان توفان اختلال میکنند - و متأسفانه باید اذعان کرد که در این اخلا لگی خود موفقیتهایی هم نداشته اند - از راست به سازمان توفان حمله مینمایند و چنانکه شیوه روزینیت است در زیر لافها مبارزه با دکاتیسم به مارکسیسم - لنینیسم اندیشه مائوسه درین مبتازند. "سازمان انقلابی حزب توده ایران" از چپ سازمان مارا مورد حمله قرار میدهند علی رقم واقعیت انکار ناپذیر آنرا سازمانی روزینیت میخواند. "سازمان انقلابی" که از لحظه پیدایش خود تا کنون به بنا با اعتراض خودش گرفتار

رفرمیسیسم و شیوه انقلابی

فرق میان تاکتیک انقلابی و تاکتیک رفرمیستی چیست؟

برخی مینمایند که لنینیسم بطور کلی یا رفرم یا مصالحه و سازش مخالف است. این یکی نادروست است. لنینیسم یکباره بنا نماند که یک معنا "هرچه بد همت عمیست است" و رفرم بطور عام و مصالحه و سازش بطور خاص در شرایط معینی ضروری و مفید است. لنین میگوید:

"آیا بسیار خنده آور نیست که برای سرنگون ساختن بورژوازی بین المللی بجنگ بپردازیم، جنگی که از شدت بدترین جنگ عادی مباد و انتها صد مرتبه دشوارتر و طولانی تر، بحرینجتر است. و قبل از آنبورگدون، از استفاده از تعداد سابع (اگرچه تعداد موقت) مسلمان دشمنان، از سازش و مصالحه با دشمنان احتمالی (اگرچه دشمنان موقت، ناپایدار، متزلزل و مشروط) اعراض کنیم؟ آیا این کار شیوه آن نیست که در موقع صعود دشوارتر کوهی که هنوز کسی آنرا کشف نکرده و از آن نگذشته است هرگز نخواهیم از راههایی پر پیچ و خم بگذریم، هرگز نخواهیم بحلق بر گردیم و جهتی را که برگزیده ایم ترک گفته جهت مختلف را بپیماییم؟"

روشن است که صحبت بر سر رفرم یا مصالحه و سازش نیست بلکه بر سر استفاده ای است که از رفرم و سازش بعمل میاید. کجیک در نظر رفرمیست، رفرم همه چیز است و کار انقلابی برای کپ زدن است، برای خالی نمودن عرشه است. از اینجهت رفرم درنا رفرمیستی در شرایط وجود حکومت بورژوازی ناگزیر با فزاینده تحکیم این حکومت، با فزاینده مزاحم با شانیدن انقلاب میدل میشود. در نظر انقلابی، برعکس عمده عبارت است از کار انقلابی، نه رفرم. در نظر او رفرم، محصول فزنی انقلاب است. از اینجهت رفرم در تاکتیک انقلابی در شرایط وجود حکومت بورژوازی طبیعتا با فزاینده از هم پاشاندن این حکومت، با فزاینده تحکیم انقلاب، بکنجه گاهی برای توسعه جنبش انقلابی میدل میشود.

شخص انقلابی که رفرم را برای آن میندیرد که از آن بهتایه جنگی برای تلفیق کارلنی با کارگری علنی، بهتایه سرورش برای نفی کارگری طبقه بمقصور آمده ساختن انقلابی توده ها برای سرنگونی بورژوازی استفاده کند.

از رساله "راجع به اصول لنینیسم" با پراشندگی بیسابقه ای روبرو گردیده و بیزحمت توانسته بود "راه پارلمانی" را بعنوان "رگانه راهی سوسیالیسم" بر توده های خود تحمیل کند. اینکه که نیروهای مسلح بورژوازی ایتالیایی صحابه و مبعانه بر مردم زحمتکش حمله ور شده و دو تن را بقتل آوردند و وظیفه روزینیتها در خاموش کردن توده های زحمتکش و گرسنه و دعوت براه مسالمت آمیز بسیار دشوار میشود. روز ۱۱ آوریل ۱۹۷۳ میلین کارگر ایتالیایی در سراسر کشور دست باعتصاب زدند و دانشجوین و دانش آموزان از آنها پشتیبانی کردند. حادثه یاتی یا کلیا ناکهان آگاهی زحمتکش ایتالیای را بدو ربه بالاتری ارتقا داد و هیستکی بیکار جویانه آنها را نیرومند تر و بر دامنه تر کرد اندید. مقابله قهرآمیز با پلیس و زاندم امه اشغال کارخانه ها، در دست گرفتن مراکز ارتباط نتایج آن بود که دیگر طبقه کارگر زحمتکش ایتالیای حاضر نیستند به وسیله روزینیتها دست و پا بسته به بورژوازی تحویل داده شوند. همه جا پرچم سرخ با هتزاز در آمد و زحمتکش میلان پرچم سازمان المفتح را به نشانه هیستکی کارگران کشورهای امپریالیستی یا خلق های مبارز منطقه تسوفسانها در کار پرچم سرخ بر افراشتند.

در این نهضت انقلابی ایتالیا بار دیگر نقش اجتماعی احزاب مختلف بوجه نسیاتی آشکار گردید. حزب سوسیالیست (آئی) و حزب سوسیال مسیحی که در حکومت اند مستقیما نقش سرکوب زحمتکش را برعهده داشتند. روزینیت های حزب لنگو بعنوان عوامل بورژوازی در طبقه کارگر تمام کوشش خود را در آرام کردن توده ها و آسوده خاطر ساختن بورژوازی انحصاری ایتالیا بکار بردند. حزب کونیست مارکسیست - لنینیست ایتالیا و ارگان مرکزی آن "نوو اونیتا" در تجمیع زحمتکش، طرح شعارهای بیکارجویانه صحیح و ارائه دورنمای مبارزه نقش موثر و بر افتخاری بازی کردند. البته هنوز همه طبقه کارگر زحمتکش ایتالیا از دام فریب سوسیالیستها و روزینیتها و حزب لنگو و از تخلیات "راه مسالمت آمیز" و "راه پارلمانی" نرسیده اند و حزب کونیست مارکسیست - لنینیست ایتالیا هنوز در سالهای آغاز فعالیت خویش است. ولی حزب روزینیت گرفتار تضادها گوناگون و تلاشی موزنی است که روز بروز در اثر مبارزات اجتماعی عمیق تر و بسیط تر میشود و حزب کونیست مارکسیست - لنینیست ایتالیا در اثر استواری در مواضع مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوسه درین روز بروز بیکارچتره آورده شو و زینفوتر میکرد.

پهروزی خلق زحمتکش ایتالیا بر دولت بورژوازی انحصاری و استقرار سوسیالیسم در آن کشور وابسته به شکست قطعی روزینیت و تاین سرکردگی کامل حزب کونیست مارکسیست - لنینیست در طبقه کارگر و سایر زحمتکش است. هر کامیابی حزب کونیست مارکسیست - لنینیست ایتالیا کامیابی طبقه کارگر و خلق ایتالیا، پیروزی طبقه کارگر جهانی و خلق های سراسر کیتی است.

ما برای حزب براد و خود، حزب کونیست مارکسیست - لنینیست ایتالیا کامیابهای روز افزون در بیکار اجتماعی آرزویمیم.

یک دوجین انحرافات گوناگون و از آنجه ۳ دیگولوی ضد پرولترئ بود ماست و هنوز هم اندیشه های کاستریسم در آن تفوق دارد، ما را به پیروی از روزینیتسم ششم میسازد. بجه در ص ۳

نهضت انقلابی در ایتالیا

حوادثی که در ماههای اخیر در ایتالیا میگردد نموداری از نهضت انقلابی در کشورهای امپریالیستی و بحران عمیق و روز ناپذیر جهان سرما به اوست. تمرکز سرما به اوست. اقدام بنگاههای "اسیونیزاسیون" تولید و تدابیر جدید در کارخانه ها، مالکان بزرگی ارضی موجب تقلیل تعداد کارگران و انشای روز افزون فقر و بیگاری گردیده که بیش از همه در جنوب ایتالیا بچشم میخورد. بورژوازی ایتالیا میخواهد نتایج کمزور شدن بحران را برد و زحمتکش ایتالیا و این امر موجب گسترش جنبش انقلابی و نشدید بیشتر و بیساز بحران میشود.

در نوامبر ۱۹۶۸ اهالی اورگولو (سارنی) بیاخته نوعی کومون در منطقه خود بر قرار ساختند که بدست قوی چتر، باز سرکوب شد.

یک ماه بعد اهالی اولو (سیسیل) با شمال زمینهای را و دو نفر کشته دادند.

در فوریه امسال در فویدی (لازیوم) تولید کنندگان دست به شورش زدند. اینستا راه آهن و شجر را تصرف شده بسیاری از آنها در برخورد با پلیس زخم برداشتند.

ولی طعمیان پداسته کارگران و سایر زحمتکش در آوریل امسال روی داد. روز چهارشنبه ۹ آوریل در بانی کلیا (در جنوب شرقی ناپل) ده هزار کارگر کشاورزی، کارگر کارخانه و کارگاه بسه عنوان اعتراض بر ضد تعطیل کارخانه دحانبات و تصفیه قد دست بنمایش زدند. کارمندان و دانش آموزان و دانشجویان نیز اینها پیوستند. بورژوازی وحشت زد منوره های پلیس و زاندم راه برای تفرقه و سرکوب نمایش دهندگان فرستاد و آنها نخست با کاس اشک آلود و دست زدن زحمتکش عاصی افتاده سوسیس به تیواندزی دست زدند و تن را بقتل رسانیدند و عده های را مجروح ساختند. نمایش دهندگان بخشم آمده با کوشش مولوتوی بر نیزه های پلیس و زاندم حمله برده دست تن از آنها را زخمی کرده بقیه را به یاد آنهاهی خویش عقب نشانده در آنجا محبوس کرد اندیدند. ضعیف تر بود اتوبیل پلیس و زاندم امری را طعمه حریق ساختند. فردای آنروز موقعی که شهر دار بانی پاکلیا بمقصور پرو نشانندن اعتراض اهالی مشغول سخن رانی بودند تیوی آورا آتش زدند.

خبر کشتار کارگران در بانی پاکلیا موجی از خشم و نفرت بر رخا در سراسر ایتالیا برانگیخت بطوریکه حزب روزینیت ایتالیای اتحادیه های تحت نظارت وی نتوانستند از مصمم کارگران بسه اعتنا جلو گیرند. اخیرا حزب مذکور در کدگره خود در پرولترئ

رهائی خلق ایران در پی پیروزی جنگ توده ای است